

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات
میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های
ایران: مطالعه‌ای کیفی

(صفحات ۱۴۹ تا ۱۷۰)

DOR:20.1001.1.17358663.1399.15.1.6.7

نوع مقاله: پژوهشی

حسن بشیر^۱ * مصطفی مصطفوی نسب^۲

پدیش: ۹۹/۰۱/۲۵

دریافت: ۹۸/۱۲/۰۴

چکیده

همزیستی افغانی‌ها با ایرانی‌ها تاریخی طولانی دارد. همسایگی دو کشور از نظر جغرافیایی، قرابت فرهنگی و اشتراکات فرهنگی موجب شده مردم دو کشور در دهه‌های اخیر ارتباط بیشتری داشته باشند. زبان، دین و اشتراکات فرهنگی، زمینه تحصیلات در مراتب بالا را برای آن‌ها فراهم نموده‌است. اما ارتباطات میان ایرانی‌ها و افغانی‌ها به‌رغم اشتراکات، از اختلافات فرهنگی برخوردار است. بر اساس نظریه گادیکانست «مدیریت اضطراب/عدم قطعیت و انطباق میان فرهنگی غریبه‌ها» به عنوان رویکرد جدید ارتباطات میان فرهنگی با هدف تعامل ما با غریبه (دیگری)؛ و حفظ و نگهداشت آن در سطح مطلوب (جایی میان آستانه حداکثر و حداقل) به‌منظور برقراری «ارتباط مؤثر» با «دیگری» برای تبیین رابطه افغانستانی‌ها و ایرانی‌ها در نظر گرفته شده‌است. روش تحقیق از نوع کیفی انتخاب و با ۱۵ نفر از دانشجویان مهاجر افغانی مقیم تهران، مصاحبه انجام و تحلیل رفتارهای آنها مطابق با نظریه گادیکانست مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد: دانشجویان افغانی در ایران احساس مثبت و خوبی دارند و از نظر ارتباطات فرهنگی در محیط دانشگاهی مشکلات کمتری با ایرانی‌ها دارند. آن‌ها تبعیض کمتری نسبت به خود احساس می‌کنند و معتقدند با بالا رفتن سطح آگاهی‌شان؛ مدیریت اضطراب در مواجهه با ایرانی‌ها تقویت شده و با قطعیت بیشتری در جامعه میزبان به پیش‌بینی می‌پردازند. افزایش آگاهی، آموزش و برنامه‌های رسانه‌ای می‌تواند در جهت افزایش همکاری و همدلی میان ایرانی‌ها و افغانی‌ها در سطح وسیع و کاستن سطح اختلاف میان آن‌ها، منجر گردد. **واژگان کلیدی:** مهاجرین افغانستانی، ایرانیان، ارتباطات میان فرهنگی، عدم قطعیت، مدیریت اضطراب.

۱. استاد گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع). bashir@isu.ac.ir.

۲. دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (نویسنده مسئول). mostafavinasab@yahoo.com

۱- بیان مسئله

از منظر جامعه‌شناسی، مهاجرت مهم‌ترین نوع تحرک جمعیت محسوب می‌شود (زرقاتی و موسوی، ۱۳۹۲)، که قدمتی به اندازه بشریت دارد. اما تفاوت آن با گذشته در حوزه جغرافیایی و مقیاس آن است. در همین راستا، تمامی مهاجرت‌های بین‌المللی را می‌توان بر اساس انگیزه‌هایی که در ورای مهاجرت وجود دارد به دو دسته تقسیم کرد:

۱) مهاجرت غیراختیاری یا اجباری (که جابه‌جایی پناهندگان هم خوانده می‌شود).

۲) مهاجرت اختیاری یا آزادانه (که مهاجرت اقتصادی هم گفته می‌شود).

مهاجرت‌های غیراختیاری یا اجباری اساساً اشاره به جریان‌های پناهندگی دارد که در چارچوب آن به دلیل بلایای طبیعی، جنگ‌های داخلی و تعقیب و آزار قومی، افراد ناگزیر می‌شوند از وطن خود بگریزند (همان، ۱۳۹۲: ۶۹۷-۶۹۸).

رویکردهای جدید در حوزه ارتباطات میان فرهنگی در ارتباط با برخورد جامعه میزبان با مهاجران کاربرد دارد. طرح نظریه میان فرهنگی مدیریت اضطراب / عدم قطعیت گادیکانست در حوزه ارتباطات میان فرهنگی از دهه هفتاد میلادی آغاز شد (گادیکانست، ۱۳۹۶). این نظریه که تأکید آن بر نحوه ارتباط افراد فرهنگ‌های متفاوت است با استعانت از سایر نظریه‌های حوزه ارتباطات میان فرهنگی، در نسخه‌های مختلف ارائه شده و به تدریج با توسعه و ترکیب آن با دیگر نظریه‌ها، نظریه مدیریت اضطراب/عدم قطعیت در ارتباط مؤثر، به وجود آمد. محور اصلی این نظریه، نحوه مدیریت میزان اضطراب/عدم قطعیتی است که در تعامل ما با غریبه‌ها به وجود می‌آید تا نتیجه کار به شکل‌گیری یک ارتباط مؤثر و کارآمد منتهی شود. کاربرد این نظریه در این پژوهش از آن جهت است که، اضطراب و عدم قطعیتی که در جریان تعاملات دانشجویان افغانستانی و ایرانی بوجود می‌آید را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. چنانچه این شرایط در محیط‌های علمی نیز به وجود نیاید تا حد زیادی اضطراب و عدم قطعیت دو طرف را به هنگام ارتباط با یکدیگر تحت تأثیر قرار داده و از آستانه آن خارج می‌سازد. بنظر می‌رسد که برای یک ارتباط خوب و مؤثر، این چالش‌ها باید برطرف شوند. در این نظریه جهت تبیین نظریه، اصول متعارفی جهت مدیریت اضطراب/عدم قطعیت در ارتباط با غریبه‌ها وجود دارند. به عبارت دیگر؛ کاربردی این اصول در ارتباط میان فرهنگی با بیگانگان می‌تواند منجر به کاهش چالش‌های ارتباطی در طرفین شده و به

جریان تحقیق و فهم مشترک در یک ارتباط مؤثر کمک نماید. لذا دانشجویانی انتخاب شدند که اولاً به تازگی وارد مقطع کارشناسی شده بودند و ثانیاً تاکنون تجربه تعامل دانشجویی بعد از فارغ التحصیل شدن از مقطع دبیرستان را با سایر افراد (ایرانی) نداشتند. به نظر می‌رسد بکارگیری این اصول برای دو گروه از دانشجویان ایرانی و افغانستانی، اضطراب و عدم قطعیت در تعاملات میان‌فرهنگی با «دیگری» را مدیریت کرده و آنان را به درک مشترکی از پیام‌های تبادل شده بین هم می‌رساند. نتیجه مدیریت مذکور، اشتراک معنا در ارتباطات روزمره و کاهش یا برطرف کردن اختلافاتی است که ارتباط مؤثر میان دانشجویان ایرانی و افغانی را به وجود آورده است. در مطالعه حاضر که به بررسی جامعه شناختی ارتباطات میان‌فرهنگی بر اساس نظریه گادیکانست می‌باشد؛ مهم‌ترین دغدغه پاسخ به این پرسش است که مهمترین دلالت‌های دانشجویان افغانستانی جهت مدیریت اضطراب و عدم قطعیت در ارتباطات میان‌فرهنگی با ایرانیان کدام می‌باشند؟

ادبیات پژوهش

۱-۲- ادبیات تجربی

بشیر و بذرافشان (۱۳۹۹)؛ تحقیقی درباره «ارتباطات میان شیعه و اهل سنت» انجام داده اند. محققان اشاره می‌نمایند به دلیل اختلافاتی که دو گروه در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگی با یکدیگر دارند، این روابط در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی قابل بررسی می‌باشند. هدف از «نظریه مدیریت اضطراب/عدم قطعیت در ارتباط مؤثر» در تعامل ما با غریبه (دیگری) و نگهداشتن آن در سطح مطلوب - جایی میان آستانه حداکثر و حداقل - به منظور برقراری یک «ارتباط مؤثر» با «دیگری» است. در این پژوهش تلاش شده با کنکاش در منابع کتب روایی شیعه و با استفاده از روش تحلیل مضمون سیره گفتاری و رفتاری و توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام در تعامل با اهل سنت در چارچوب نظریه مدیریت اضطراب/عدم قطعیت برای ارتباط مؤثر مورد مطالعه قرار گیرد و راهکارهایی برای افزایش همگرایی شیعه و اهل سنت و کاهش اختلاف میان ایشان استخراج شود.

بشیر و کشانی (۱۳۹۸)؛ تحقیقی با عنوان «ارتباطات میان فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم‌فرهنگی» انجام دادند. این پژوهش به صورت کیفی و

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران.....

انجام مصاحبه با ۲۰ تن از مهاجران افغانستانی مقیم تهران صورت گرفته است. یافته های تحقیق نشان می دهد نسل سوم مهاجران افغانی که در ایران به دنیا آمده اند برخلاف نسل های قبلی خود که بطور سنتی رویکرد سازش را انتخاب می کردند از روش های انطباقی و به صورت محدودتری روش جداسازی را انتخاب می کنند.

همچنین صادقی فسایی و نظری (۱۳۹۵)؛ در تحقیقی به « بررسی مشکلات نوجوانان افغانستانی در تعاملات روزمره و شکل گیری تصور از خود و دیگری» پرداخته اند. این پژوهش با استفاده از مصاحبه های نیمه ساخت یافته و مصاحبه های روایی با ۱۵ نوجوان افغانستانی دختر و پسر ساکن شهر تهران به رابطه و درک ارتباطات میان افغان ها و ایرانیان پرداخته است. یافته ها بیان می کند که در جریان این تعاملات با ایرانیان، افغان ها مورد تحقیر و بی احترامی بوده اند و به آن ها برچسب های گوناگونی که نشان از کوچک شمردن افغانها است، زده می شود. کنشگران نیز برای اجتناب از این برچسب ها از استراتژی فاصله گیری استفاده کرده اند و باعث شده است تا خود را افراد کاملاً متفاوتی نسبت به ایرانیان بدانند.

با مروری تحقیقات پیشین، در خصوص مطالعه حاضر که بر اساس نظریه مدیریت اضطراب و عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانی در دانشگاه های ایران است، تحقیقی صورت نگرفته است. لذا این مقاله جهت واکاوی این موضوع با استفاده از نظریات ارتباطات میان فرهنگی به ویژه نظریه مدیریت اضطراب و عدم قطعیت به ارائه احکاراتی برای انطباق بیشتر و کاهش اضطراب و عدم قطعیت افغانستانی ها در تعامل با ایرانیان و رسیدن به فهم و درک مشترک می پردازد.

۲-۲- ادبیات نظری

فرهنگ با ارتباطات گره خورده است و همان گونه که ارتباطات امری پویا و پیچیده است، فرهنگ نیز یک امر ایستا نمی باشد. پویایی این دو به معنی یک فعالیت مستمر و مداوم است. از طرف دیگر، تمام عناصر ارتباطات دائماً در رابطه با یکدیگر فعل و انفعال دارند. ارتباطات نظام مند است و در خلاء انجام نمی شود، بلکه بخشی از یک نظام بزرگتر است. بزرگترین نظامی که ارتباطات را تحت تأثیر قرار می دهد فرهنگ ماست. فرهنگ محیطی است که در آن تمام فعل و انفعالات ما شکل می گیرد (سامووار و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۱-۵۷).

ارتباطات فرهنگی در سه سطح قابل مطالعه است: اول) ارتباطات میان‌فرهنگی بین-المللی مثل ارتباط ایرانیان با ملت‌های دیگر. دوم) ارتباط میان‌فرهنگی بین فرهنگ‌های متفاوت در داخل یک کشور مثل ارتباط ایرانی‌ها با مهاجرین در ایران. سوم) ارتباطات درون‌فرهنگی که در واقع مطالعه رابطه بین خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ قومی باهم و در رابطه با فرهنگ ملی است.

ارتباطات میان‌فرهنگی، ارتباط بین آن دسته از مردم است که ادراکات فرهنگی و سیستم نمادین‌شان به اندازه کافی مجزا هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند. ارتباطات میان‌فرهنگی در علوم اجتماعی کنش متقابل فاعل و کنشگران از فرهنگ‌های مختلف را نشان می‌دهد. این کنشگران می‌توانند فرد یا گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها باشند.

ارتباطات نژادی و ارتباطات بین قومی دو شکل از اشکال ارتباطات میان‌فرهنگی هستند که می‌توانند اسامی خانوادگی، زبان و مذهب و ارزش‌های اعضای خود را، حتی اگر در داخل فرهنگ دیگری باشند، تحت تأثیر قرار دهند. ارتباطات درون‌فرهنگی نوع دیگری از ارتباطات میان‌فرهنگی است که برای تعریف کردن پیام‌های بین اعضای فرهنگ غالب مورد استفاده قرار می‌گیرند (سامووار و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۱).

ارتباطات میان‌فرهنگی با پدیده جهانی شدن به عنوان زمینه‌ای برای گسترش آن اهمیت بیشتری یافته است. اهمیت ارتباطات میان‌فرهنگی در این است که بعضی از رویکردهای ارتباطات بیش از ارتباطات درون‌فرهنگی اهمیت می‌یابند. از همین جا بعضی سوء برداشت‌ها مثلاً در بیان عمل ایجاد می‌شود.

برای فهم فرهنگ دیگران، عبور از قوم‌گرایی ضروری است. تنوع فرهنگی همواره به عنوان یک هدف ارزشمند در بسیاری از جوامع قلمداد می‌گردد، اما اضطراب، عدم-قطعیت، بی‌اعتباری و کلیشه‌سازی نیز به طور پیوسته جزء روابط بین‌گروهی و بین‌فرهنگی است و جزء جدایی‌ناپذیر این نوع تنوعات فرهنگی می‌باشد (واتسون، ۲۰۰۸: ۳۳۸).

فلسفه ارتباطات فرهنگی به ویژه میان‌فرهنگی را می‌توان در این دید که تبعیض در مورد یک فرد و یا یک گروه، آن‌هم به دلیل داشتن رنگ پوست متفاوت، زندگی در یک کشور دیگر، روش دعا و نیایش متفاوت، داشتن جهان‌بینی ناهمگون یا صحبت به زبانی دیگر، همه را تضعیف می‌کند (Hammer, 1998: 309).

از منظر روانشناسی ارتباطات، ارتباطات باید در حالت برابراشد. اما در عمل،

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران

بسیاری از ارتباطات در سایه قدرت و برتری یک طرف صورت می‌گیرد و این برابری موضوع ارتباطات را تعیین می‌کند. در ارتباطات میان فرهنگی، فرهنگ عمدتاً با مرزهای جغرافیایی و سیاسی تعریف می‌شود. دولت‌های سیاسی حاکم، فرهنگ واحدی را ایجاد می‌کنند و فرهنگ، اغلب با زبان محدود می‌شود؛ اما این مرزبندی خیلی دقیق نیست؛ مثلاً فرهنگ آلمان و اتریش، که هر دو آلمانی زبان هستند، بسیار متفاوت از فرهنگ آلمان و انگلستان است. این تفاوت حتی در بین انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها، که به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند، وجود دارد.

نظریه مدیریت اضطراب / عدم قطعیت (AUM) در ارتباطات مؤثر

گادیکانست^۱ (۱۹۸۵) نظریه کاهش عدم قطعیت «برگر و کالا بریز»^۲ را به برخوردهای بین گروهی به عنوان نخستین گام در ایجاد مدیریت اضطراب / عدم قطعیت تعمیم می‌دهد. گادیکانست و هامر (۱۹۸۸) از عدم قطعیت (نا توانی در پیش‌بینی یا توضیح نگرش، رفتار و احساسات دیگران) و اضطراب: احساس ناراحتی، تنش، نگرانی یا هراس) برای تبیین سازگاری میان فرهنگی استفاده کرده‌اند.

گادیکانست (۱۹۸۸) نظریه‌ای عمومی را با استفاده از کاهش عدم قطعیت و اضطراب برای تبیین ارتباطات بین فردی و بین گروهی مؤثر ارائه داد. ارتباطات میان- فرهنگی یکی از انواع ارتباطات بین گروهی در نظریه مدیریت اضطراب / عدم قطعیت است. گادیکانست (۱۹۸۸) از مفهوم «بیگانه به عنوان یک مفهوم سازمان دهنده مرکزی استفاده کرده است. گادیکانست (۱۹۹۳) نظریه را با استفاده از چارچوب شایستگی گسترش داد. گادیکانست فرضیات فرآیندی نظریه را در این نسخه مشخص کرد. علاوه بر آن گادیکانست تعداد اصول بدیهی در نظریه را گسترش داد تا درک نظریه (رینولدز، ۱۹۷۱) و کاربرد آن آسان‌تر شود. این نظریه دربرگیرنده آستانه‌های حداقل و حداکثر برای عدم قطعیت و اضطراب است. در انتها گادیکانست مفهوم آگاهی لانگر^۳ (۱۹۸۹) را به عنوان فرآیندی تسهیل‌گر بین مدیریت اضطراب / عدم قطعیت و ارتباطات مؤثر در این نسخه وارد می‌کند.

^۱ . Gudykunst

^۲ .Burger&kalla berise

^۳ .Langer

گادیکانست (۱۹۹۵) چنین استدلال می‌کند که علل «بنیادی» و «سطحی» برای ارتباطات مؤثر وجود دارد. او می‌گوید؛ مدیریت اضطراب و عدم قطعیت از جمله آگاهی، از علل بنیادی ارتباطات مؤثر هستند و تأثیر دیگر متغیرهای «سطحی» برای مثال، توانایی همدلی با بیگانگان و ایجاد جاذبه برای آنها بر ارتباطات مؤثر از طریق مدیریت اضطراب و عدم قطعیت، تأثیر گذار است. میزان آگاهی افراد از رفتار خود، تأثیر مدیریت اضطراب و عدم قطعیت‌شان را بر اثربخشی ارتباطات آنها تسهیل می‌کند. از نظر گادیکانست (۱۹۹۵) فرایندهای دیالکتیکی در مدیریت اضطراب / عدم قطعیت دخالت دارند برای مثال، دیالکتیک عدم قطعیت شامل بدیع بودن و پیش‌بینی پذیری می‌شود، اما این فرایندها به تفصیل شرح داده نشده‌اند.

برخی از مفاهیم اساسی مورد استفاده در نظریه به تفصیل اشاره می‌شود. این مفاهیم عبارتند از: «غریبه»، «عدم قطعیت»، «اضطراب» و «ارتباطات مؤثر». بدیهی است شناخت این مفاهیم به ویژه در ارتباطات میان فردی می‌تواند ما را در فهم و درک بهتر نظریه مدیریت اضطراب / عدم قطعیت یاری کند.

۱- غریبه

مفهوم غریبه اشاره به دوری و نزدیکی دارد. در معنای نزدیکی یعنی غریبه از نظر فیزیکی نزدیک است و دوری به معنای این که غریبه ارزش و روش‌های متفاوتی برای انجام کارها دارد. بر این اساس مفهوم «غریبه» در پژوهش گادیکانست همان مفهوم «دیگری» یعنی دانشجوی افغانستانی در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. در جامعه ایران، مردم افغانستان در تعامل نزدیک با یکدیگر زیست می‌کنند و در پاره‌ای از موارد نزدیکی و قرابت ارزشی دارند؛ اما از برخی جهات از نظر رفتاری، لباس، لهجه، ارزش‌ها و هنجارها تفاوت‌های آشکاری با ایرانیان دارند. مطابق با نظر گادیکانست این نزدیکی فیزیکی افغانستانی‌ها (غریبه‌ها) و دوری فکری و فرهنگی جامعه میزبان ایرانی موجب شده است تا همان ویژگی‌ها و شاخص‌های «غریبه» در نگاه گادیکانست جلوه پیدا کند. به همین دلیل در این تحقیق افغانستانی‌ها با عنوان دیگری در جامعه ایرانی مطرح می‌شوند.

۲- عدم قطعیت

وقتی از عدم قطعیت صحبت می‌کنیم یعنی اشاره به ناتوانی در تشریح وضعیت کنونی و پیش‌بینی آینده است. عدم قطعیت اشاره به پدیده‌ای است که بر طرز فکر ما درباره

افراد ناشناس تاثیر می گذارد. عدم قطعیت در واقع موقعیتی است که فارغ از شرایط زندگی، کار، سن به تجربه ما در می آید. به عنوان مثال می توان درباره دانشجویانی که در مورد ترم های درسی بعدی، نمره ها و آینده خود با عدم پیش بینی و یا عدم قطعیت مواجهند. لذا آن ها می بایست برای فراز و نشیب هایی که در آینده با آن مواجه خواهند بود، برنامه ریزی ها و پیش بینی های لازم را انجام دهند (اولمر و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸).

از نظر ماریس^۱ عدم قطعیت از تصورات قبلی ما خلق می شود. از نظر ماریس حوادث تنها در برخی زمینه سازی های اهداف و انتظارات منظم، غیر قطعی به نظر می رسند. عدم قطعیت به نوعی با پیشگویی مرتبط است پیشگویی که ممکن است بتوانیم آن را انجام دهیم (Marris, 2003:16).

برای عدم قطعیت حداقل و حداکثری وجود دارد. به عبارت دیگر اگر عدم قطعیت از آستانه حداکثر بیشتر یا از آستانه حداقل کمتر باشد، ممکن نیست بتوانیم ارتباط خوبی با افراد برقرار کنیم و اگر عدم قطعیت بیشتر از مرز بیشینه باشد، رفتار افراد غریبه پیش بینی ناپذیر به نظر می رسد و اگر از کمینه آستانه کمتر باشد، بسیار محتمل است که پیغام های افراد غریبه را به اشتباه تعبیر نماییم؛ زیرا در نظر نمی گیریم که ممکن است برداشت ما از پیام آنها اشتباه باشد (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

یکی از موارد مهم در عدم قطعیت مدیریت ان است که در ارتباط با دیگری خود را نشان می دهد و اگر این مدیریت کردن با ناتوانی و ضعف باشد، احتمال بروز سوء برداشت در ارتباط با دیگری بالا می رود. یکی از نکات مهمی که گادیکانست به آن اشاره می کند وضعیتی است که برای ارتباط درست و سازگار و انطباق با فرهنگ های دیگر نیاز است تا عدم قطعیت ما بین کمینه و بیشینه قرار گیرد (Gudykunst, 1993 & 1995).

۳- اضطراب

وقتی از اضطراب یاد می شود اشاره به همان وضعیت بینابین و یا عدم قطعیت است. اضطراب یک حالت احساسی و عاطفی است. به طور طبیعی هریک از ما هنگام ارتباط با غریبه ها میزانی از اضطراب را تجربه می کنیم.

این حس ریشه در احساس ناراحتی، نگرانی یا بیمناکی نسبت به آنچه در تعامل ما با

^۱ . Marris

میزبانان روی می دهد دارد. در واقع اضطراب مبتنی بر پیش بینی ما از عواقب منفی حاصل از تعاملان با میزبانان است (Stephan, & Stephan, 1985:157). از نظر گادیکانست اضطراب هم دارای آستانه های بیشینه و کمینه است. اضطراب اگر بیشتر یا کمتر از آستانه ها باشند، تغییرات ناگهانی و شدیدی در انطباق و سازگاری با فرهنگ میزبان رخ خواهد داد (بشیر، ۱۳۹۷: ۲۲۹). به عبارت دیگر اگر اضطراب ما بیش از بیشینه باشد آنچنان ناراحت و پریشان خواهیم شد که نخواهیم توانست با میزبان آن ارتباط برقرار کنیم و چنانچه در زیر آستانه باشیم، حداقل آدرنالین کافی در سیستم بدنی ما وجود نخواهد داشت تا انگیزه لازم برای ارتباط مؤثر با غریبه را بوجود آورد (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۷). لذا اضطراب ما باید پایین تر از حداکثر آستانه و بالاتر از حداقل آستانه باشد تا ما را برای ارتباط تحریک کند (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۷-۱۲۹).

۴- ارتباط مؤثر

ارتباط مؤثر اشاره به دغدغه ای است که مورد توجه تعدادی از اندیشمندان حوزه ارتباطات قرار گرفته است. موضوعی که در این مورد لازم است بدان اشاره شود آن است که ایجاد درک مشترک از پیام در ذهن فرستنده و گیرنده زمانی به بهترین شکل ممکن است به وجود آید که در نهایت منجر به اشتراک معنا شود. در این باره گادیکانست عنوان می کند ارتباط مؤثر ارتباطی است که شخصی پیام با معنایی را از فردی مشخص تفسیر کند و معنای آن را دریابد (Gudykunst, 2005:289). اوتزل^۱ بیان می کند: در یک گروه به هر میزان که افراد ناهمگن تر باشند، احتمال برقراری ارتباط مؤثر کمتر خواهد بود (Oetzel, 2017:3).

۵- اصول متعارف نظریه

گادیکانست در نظریه مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی به اصول متعارفی در این نظریه اشاره می کند که هر یک از آنها به ارتباط گر میان فرهنگی کمک می کند تا با ایجاد تعادل در اضطراب و عدم قطعیت خود، بتواند ارتباط مؤثری با غریبه ها برقرار کند.

هرچند وی به ۴۷ اصل متعارف اشاره می کند پژوهش حاضر فقط مواردی از آن

^۱ . Oetzel

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران.....

اصول که به موضوع پژوهش مرتبط است را مورد توجه قرار داده است. این اصول عبارتند از:

۱-۵- همگرایی و همدلی با دیگری

همگرایی و همدلی از مواردی است که تحقق یک ارتباط مؤثر میان ارتباط گران را تسهیل می‌کند. همدلی به معنای درک احساسات دیگران و مشاهده دنیا از دید آنان است. این که آنان از چه چیزی ناراحت می‌شوند و چگونه می‌توان خود را جای ایشان گذاشت و احساس آنان را درک کرد، موضوع همدلی است. همدلی باعث می‌شود افراد، حریم دیگران را محترم شمرده و احساسات، نیازها، نگرانی‌ها، علایق و نظرات آنها را به هنگام تعامل، مد نظر قرار دهند تا بتوانند به طور مؤثر میان خود و غریبه‌ها ارتباط مناسب برقرار کنند.

اصل متعارف: هرچه میزان توانایی همدلی و درجه همگرایی ما با غریبه‌ها افزایش یابد، اضطراب ما کاهش و توانایی برای پیش‌بینی دقیق رفتار آنها افزایش می‌یابد (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۰).

۲-۵- ارتقای شناخت از دیگری

از نظر گادیکانست افزایش شناخت آگاهانه از غریبه و نقاط اشتراک و افتراق با او در برقراری ارتباطات میان فرهنگی تأثیرگذار است. وی معتقد است که هرچه میزان این شناخت بیشتر باشد، ارتباط مؤثرتری میان خود و دیگری برقرار خواهد شد. در واقع میان میزان درک ما از شباهت‌ها و تمایزهای گروه‌مان با گروه‌های غریبه و میزان اضطراب و عدم قطعیتی که در ارتباط با ایشان تجربه می‌کنیم، رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

اصل متعارف: هرچه میزان درک و فهم ما از شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه‌مان با گروه‌های غریبه، افزایش یابد، عدم قطعیت ما کاهش و توانایی ما در پیش‌بینی رفتار آنها افزایش خواهد یافت (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۰).

اصل متعارف: در صورت افزایش دانش ما از زبان یا گویش غریبه‌ها، اضطراب ما کاهش و توانایی ما برای پیش‌بینی صحیح رفتار آنان افزایش می‌یابد (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۳).

۳-۵- افزایش تعامل با دیگری

کمیت و کیفیت ارتباط با افراد غریبه و دیگران و رابطه آن با میزان اضطراب و عدم

قطعیت در ارتباط گران میان فرهنگی از بحث های مهم دیگر گادیکانست است. نظریه کاهش عدم قطعیت برگر و کالابریز (۱۹۷۵) همچنین بیان می دارد هر چه فرآورده های لفظی و زبانی که ما در ارتباطمان با غریبه ها به کار می بریم بیشتر باشد، اضطراب ما در تعامل با آنها کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، صمیمیت بیشتر در ارتباط با دیگران موجب اضطراب کمتر می شود (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۴). البته در این مورد تعدد ارتباطات با دیگران و میزان وابستگی ما با غریبه ها، تعیین کننده میزان اضطراب و قدرت پیش بینی کنندگی ما در تعامل با غریبه ها هستند.

اصل متعارف: افزایش وابستگی متقابل ما با افراد غریبه موجب کاهش اضطراب و موجب افزایش قدرت و توانایی ما در پیش بینی رفتار آنان می شود (گادیکانست ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۵).

اصل متعارف: افزایش وابستگی متقابل ما با افراد غریبه موجب کاهش اضطراب و موجب افزایش قدرت و توانایی ما در پیش بینی رفتار آنان می شود (گادیکانست ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۵).

د) رعایت احترام دیگری

از نظر گادیکانست رعایت جنبه های اخلاقی در ارتباط با غریبه ها با میزان اضطراب ما در تعامل با غریبه ها رابطه معکوس دارد؛ یعنی به هر میزانی که احترام به غریبه افزایش یابد، اضطراب ما در تعامل با او کاهش خواهد یافت.

اصل متعارف: افزایش احترام گذاشتن به غریبه ها موجب کاهش اضطراب ما می شود (گادیکانست، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۸).

۳- روش پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی پژوهش، از مطالعه اسنادی و کتابخانه ای در گردآوری اطلاعات پیرامون موضوع و همچنین از طریق مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است ابعاد رابطه میان دانشجویان مهاجر افغانی و ایرانیان پرداخته و اقدام به توصیف و تشریح جنبه های مختلف آن نماید.

داده های کیفی از طریق مصاحبه با دانشجویان افغانستانی ساکن در شهر تهران به

دست آمده که با روش تحلیل مضمون از دل داده های به دست آمده مضامین و معانی گوناگون استخراج و کشف شده است. جامعه مورد مطالعه پژوهش ۱۵ تن از دانشجویان مهاجران افغانی مقیم شهر تهران است. این مصاحبه ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که پژوهش به اشباع نظری رسید.

روش تحلیل مضمون در زمره روش های نظری و معرفت شناسی است و می توان از آن به عنوان یک ابزار تحقیقاتی منعطف و مفید برای تحلیل حجم زیادی از داده های پیچیده و مفصل نام برد. براون و کلارک تحلیل مضمون را روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی می دانند. به گفته آنها این روش فرآیندی برای تحلیل داده های متنی بوده و داده های پراکنده و متنوع را به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می کند (Braun & Clarke, 2006:6). این روش در سه مرحله کلان و شش گام و بیست اقدام صورت می گیرد. فرایند گام به گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین در جدول (۱) مطرح شده است.

جدول (۱): مراحل مختلف تحلیل مضمون

(عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰:۱۷۸)

مرحله	گام	اقدام
تجزیه و توصیف متن	آشنا شدن با متن	- مکتوب کردن داده ها
		- مطالعه اولیه و مطالعه مجدد
		- نوشتن ایده های اولیه
تجزیه و توصیف متن	ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه مضامین
		- تفکیک متن به بخش های کوچکتر
		- کدگذاری ویژگی های جالب داده ها
تجزیه و توصیف متن	جستجو و شناخت مضامین	- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین
		- استخراج مضامین از بخش های کد گذاشته شده متن
		- پالایش و بازبینی مضامین
تشریح و تفسیر متن	ترسیم شبکه مضامین	- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج
		- مرتب کردن مضامین
		- انتخاب مضامین پایه سازمان دهنده و فراگیر
		- ترسیم مضامین

- اصلاح و تایید شبکه مضامین		
- تعریف و نام گذاری مضامین	تحلیل شبکه مضامین	
- توصیف و توضیح شبکه مضامین		
- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن	تدوین گزارش	ترکیب و ادغام متن
- استخراج نمونه های جالب داده ها		
- مرتبط کردن نتایج تحلیل با سوالات تحقیق و مبانی نظری		
- نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل ها		

یافته‌های تحقیق

در حال حاضر بیش از ۴۰ هزار دانشجوی خارجی در ایران مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد طی گزارش مرکز آمار که در سال ۱۳۹۵ منتشر شده بیش از ۱۱ هزار دانشجوی افغانستانی در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند^۱.

در پژوهش حاضر پس از تعیین افراد مصاحبه شونده یعنی ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران، با آنان مصاحبه انجام شد. بطور مجزا ۱۰ دانشجوی افغانستانی از دانشگاه علامه طباطبایی) و (۵ دانشجوی افغانستانی از دانشگاه تهران انتخاب شدند (جدول ۲). سپس کلیه مصاحبه ها پس از پیاده سازی کدگذاری شدند و در نهایت ۴۰ مضمون اولیه، ۱۷ مضمون سازمان دهنده و ۵ مضمون فراگیر شناسایی شدند؛ که پس از ترسیم شبکه مضامین، هریک از مضامین ذیل زیربخش خود قرار گرفتند و در جدول ۳ نشان داده شده اند.

جدول ۲. مشخصات دانشجویان افغانستانی در پژوهش

محل تولد	مقطع / جنسیت	دانشگاه / دانشکده	تعداد دانشجویان
۷ نفر در ایران	کارشناسی ارشد / مرد	علامه طباطبایی / علوم ارتباطات اجتماعی	۱۰ نفر
۳ نفر در افغانستان	کارشناسی - کارشناسی ارشد / مرد	تهران / علوم اجتماعی	۵ نفر
جمع کل = ۱۵ نفر			

^۱ www.aa.com.tr

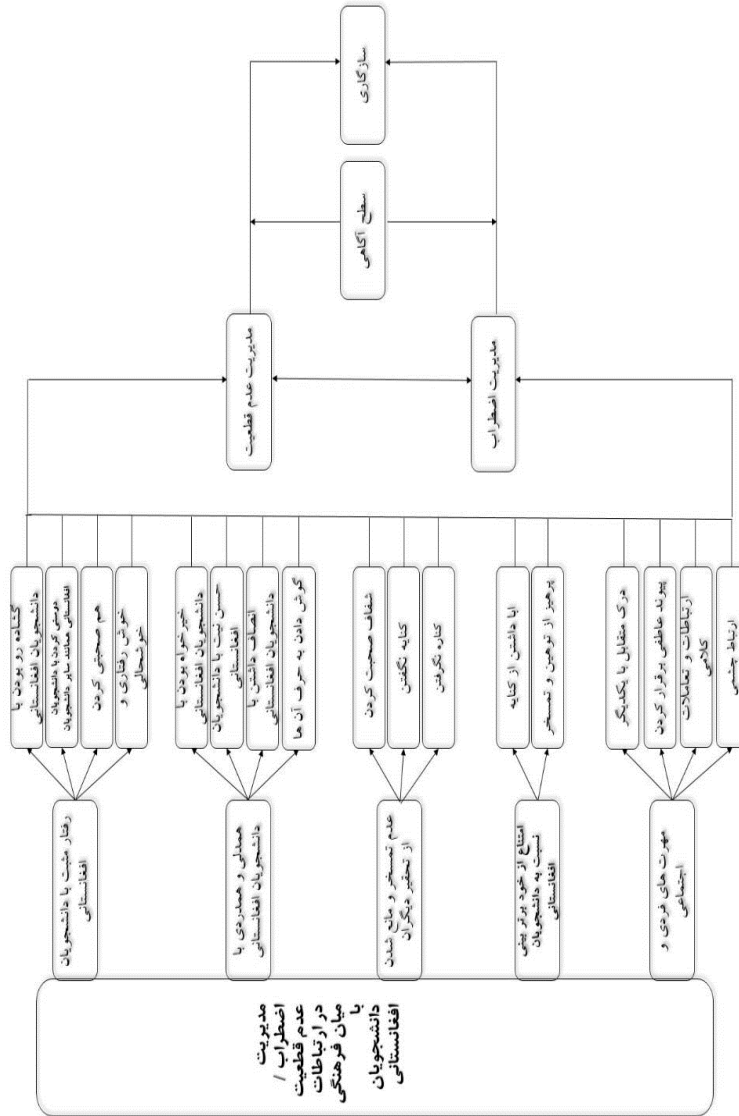
مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران.....

جدول ۳: جدول استخراج مضامین اولیه، سازمان دهنده، و فراگیر از مصاحبه‌ها

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین اولیه	گزاره‌ها
رفتار مثبت با دانشجویان افغانستانی در محیط دانشگاه	گشاده رو بودن با دانشجویان افغانستانی	خنده رو بودن با دانشجویان مهاجر	بهتر است با همه دوستان خنده رو بود
		خوش رو بودن با دانشجویان مهاجر	خوشرویی با همه دانشجویان موجب اعتماد طرفین می شود
		شادابی در رفتار با دانشجویان مهاجر	اگر می توانید با دوستان افغانستانی شاداب باشید
		بشاش بودن با دانشجویان مهاجر	دانشجویان افغانستانی هم بشاش هستند
	دوستی کردن با دانشجویان افغانستانی همانند سایر دانشجویان	رفاقت و دوستی با دانشجویان مهاجر	بهتر است با دانشجویان مهاجر رفیق بود
		هم صحبتی	مباحثه کردن با دانشجویان مهاجر
	هم تیم بودن و یا هم گروهی درسی برای مرادات		موضوعات مهمی برای بحث و گفت و گو با دوستان هست
	خوش رفتاری و خوشحالی	اداب خوش رفتار با مهمانان	یکی از آداب مهمان نوازی خوش رفتاری است
		دستور دینی و آیین سنتی	خوش رفتاری نشانه آداب و رسوم کهن کشورهای مسلمان است
		خوش رفتاری در ارتباط و تعامل	خوش رفتاری موجب تقویت ارتباط می شود

در ادامه همانطور که ملاحظه می شود در شکل ۱ شبکه مضامین حاصل از تحلیل مضامینی که از مصاحبه با دانشجویان بدست آمده ترسیم شده است.

شکل (۱) شبکه مضامین مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی



۱- رفتار مثبت با دانشجویان افغانستانی

افراد غریبه بطور معمول نسبت به افراد جامعه میزبان ارزیابی منفی دارند. این بینش و طرز تلقی از مردم به موجب آن که آنها از قبل با این بینش در جامعه وارد شده اند، مشکلاتی را در رفتار و تعامل با مردم ایجاد خواهد کرد. در اینباره پریچاد^۱ (۱۹۹۱) معتقد است که اهمیت یک رفتار و ارتباط مثبت و مؤثر، البته توأم با اخلاق، موجب می شود تا رفتار ما با آن چه که از نظر اخلاقی پذیرفته شده است محدود شود. رفتاری که توأم با حس احترام، اخلاقی و توأم با ادب و حفظ ارتباط میزبان و فرد غریبه و بالعکس، در مجموع رفتار مثبتی است که موجب یک ارتباط مثبت و دو طرفه خواهد شد.

۲- همدلی و همدردی با دانشجویان افغانستانی

وقتی از همدلی و همدردی بحث به میان می آید اشاره به احساسی است که بار روانشناسانه دارد و به این معناست که فرد قادر باشد خود را جای دیگری قرار دهد. این موضوع به هر فرد کمک می کند که موقعیت و افکاری که دیگری در شرایط خاص دارد درک کند و بتواند برای داشتن یک ارتباط مؤثر و مثبت رفتارهای فرد مقابل را تحلیل نماید همدلی موجب می شود تا دانشجویان ارتباطات میان فردی بهتری داشته باشند. دانشجویان احساس غریبگی نداشته باشند؛ همچنین احساس اضطراب و ترس در آنها کمتر باشد. همدلی و همدردی بین دانشجویان چه در عمل و چه در ذهن موجب می شود تا احساس غریبگی کمتر در میان دانشجویان احساس شود.

۳- عدم تمسخر و مانع از تحقیر شدن دانشجویان افغانستانی

غریبه ها در ارتباطات خویش نسبت به افراد جامعه در جامعه میزبان تلاش می کنند تا رفتار خویش را مدیریت نمایند؛ چرا که در غیر این صورت موجب ایجاد چالش‌های ارتباطی در طرفین شده و منجر می شود ارتباطات به سمت منفی شدن پیش برود. تمسخر کردن و کوچک شمردن یکی از نشانه های ارتباط منفی است که به قطع ارتباط منجر می شود (دنزباخ، ۲، ۱۳۹۰: ۵۲۸).

۴- امتناع از خودبرتربینی نسبت به دانشجویان افغانستانی

وقتی در افراد مختلف جامعه شامل گروه‌ها و قشرهای مختلف اعم از مذهبی، قومی،

^۱ Perichad

^۲ Dezenbakh

ملیتی، نژادی، فرهنگی زمینه به وجود آمدن پاره ای از عقاید، نگرش ها پدید می آید این امر سبب می شود تا آنها هویتی نو را کسب نمایند. بطور طبیعی در چنین وضعیتی افراد با این باور متعصب می شوند. این وضعیت می تواند در ملی گرایی، برتری فرهنگی و نژادی و بیزاری جستن از مخالفان خود را نشان دهد و نگاه دیگری را پایین تر از خود دانستن را شکل دهد. این نگاه در جامعه میزبان گاهی موجب می شود تا آنها نتوانند از گروه و یا گروه مقابل شناخت جدیدی بدست آورده و بطور دائم خود را برتر و بهتر از دیگری بدانند. به همین دلیل این موضوع یکی از ضعف های ارتباطات فرهنگی محسوب می شود. بالعکس پرهیز از این وضعیت نه تنها موجب ارتباط مؤثر و مثبت بین گروه های مختلف می شود بلکه زمینه ساز دوستی کردن، محبت کردن و احساس نزدیکی و همگرایی بوده و می تواند گام مثبتی در جهت تحقق یک ارتباط مؤثر و کم کردن اختلاف با دیگری را شکل دهد.

۵- داشتن مهارت های فردی و اجتماعی دانشجویان افغانستانی

داشتن مهارت های فردی و اجتماعی از مهمترین مؤلفه های ارتباطات میان فرهنگی محسوب می شود. مهارت های فردی مانند: ادب، اجتماعی بودن، حفظ احترام، صداقت و ... و مهارت های اجتماعی مانند: حسن معاشرت، کمک کردن، رعایت حقوق اجتماعی دیگران، برابری و انصاف داشتن و ... می تواند ارتباطات فرهنگی بین افراد جامعه و غریبه ها را مستحکم تر نماید. نتایج به دست آمده در زمینه عبارت است از:

- از مجموع ۱۵ دانشجویی که از آنها مصاحبه بعمل آمد ۷ نفر در ایران و ۸ نفر در افغانستان بدنیآ آمده اند به همین دلیل در تحلیل مصاحبه های آنان تفاوت در دیدگاه وجود دارد.

- دانشجویان مهاجر افغانستانی که در ایران به دنیا آمده بودند در برابر دانشجویانی که در کشور خود بدنیآ آمده بودند اضطراب کمتری داشتند. به عبارت دیگر، دانشجویانی که در چند ساله اخیر و جهت تحصیل به ایران مهاجرت کرده اند و بطور دائم به کشور در رفت و آمدند اضطراب بیشتری را احساس کردند. دانشجویان مزبور توانستند از طریق ارتباط مؤثر، مهارت های فردی و اجتماعی احساس نگرانی و استرس خود را مدیریت نمایند.

- بیشتر دانشجویان افغانستانی ابراز کردند ایرانی ها با ما رفتار خوب و مناسبی

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران.....

داشتند اما تفاوت‌های فرهنگی که بین دو کشور وجود دارد برای ما قابل درک است.
- دانشجویان افغانستانی با قبول این مطلب که تفاوت‌های فرهنگی در سطح کلان و یا عمومی بین دو کشور وجود ندارد؛ معتقدند این تفاوتها در عرصه خصوصی بیشتر است.

- از نظر دانشجویان افغانستانی، دانشجویان ایرانی در محیط‌های آکادمیک نسبت به عامه مردم در سطح اجتماع، رفتار مناسب‌تری دارند. ارتباطات فردی در بین دانشجویان به عنوان همکلاسی بیشتر دیده می‌شود.

- در کلاس‌های دانشگاهی احساس خودبرتر بینی دانشجویان ایرانی نسبت به دانشجویان افغانستانی کمتر دیده شده و احساس می‌شود.

نتیجه گیری

به واسطه اشتراکات فرهنگی، دینی، مذهبی مابین دو کشور افغانستان و ایران، مهاجران افغانی، ایران را به عنوان یکی از مهمترین مقصدهای خود برای زندگی انتخاب می‌کنند. در این بین عناصر فرهنگی، ارتباطات بین دو کشور را از بیشتر جهات در بعد وسیعی گسترده کرده است. بطوری که ایران به عنوان یکی از کشورهای مهاجر پذیر (به خصوص برای مهاجرین افغانی) به پذیرش این مهاجران اقدام کرده است علیرغم وجود اشتراکات فراوان میان دو ملت ایرانی و افغانی اما مشاهده می‌شود که در بسیاری از زمینه‌ها اختلافات عمده‌ای نیز وجود داشته که ارتباطات میان ایرانیان و افغانی‌ها را برهم زده است. بکار بستن نظریه‌های ارتباطات میان فرهنگی که طیف متنوعی را شامل می‌شود می‌تواند در این جوامع چند فرهنگی دارای کاربست فراوانی داشته باشد؛ به این طریق که نه تنها موجب ارتباطات مثبت بین افراد دو جامعه ایرانی و افغانی در محیط‌های علمی و آکادمیک می‌گردد بلکه به کاستن حساسیت‌های فرهنگی نیز منجر می‌شود. همانطور که گفته شد یکی از محیط‌هایی که مهاجران افغانی در ایران انتخاب کردند محیط دانشگاه است. هرچند مواجهه ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها در تاریخ ریشه‌ای قدیمی دارد و دو کشور دارای اشتراکات فرهنگی، دینی، سیاسی، جغرافیایی و ژئوپولیتیک هستند؛ منتها در طول سالهای متمادی بتدریج قضاوتها، شناختها و روایت‌های مجهول در ذهنیت ایرانیان شکل گرفته شده و در اثر بازیابی نکردن آنها موجب شده تا بجای برقراری تعامل

و ارتباط مثبت و مطلوب و بهره بردن از فرهنگ غنی از سوی هر دو کشور که می تواند جهت پیشرفت و امنیت بیشتر تاثیر گذار باشد، به روابط سرد گرایش پیدا کند. مطابق با یافته های بدست آمده و بر اساس نظریه مدیریت اضطراب / عدم قطعیت گادیکانست؛ می توان گفت در مورد تحقیق انجام شده دو کاربرد اساسی برای این نظریه وجود دارد.

اول؛ یاری رساندن به غریبه ها (دانشجویان افغانستانی) جهت سازگاری و تطابق در محیط فرهنگی نو (جامعه میزبان) که اضطراب / عدم قطعیت خویش را جهت سازگاری و تطابق با فرهنگ میزبان مدیریت کنند. رسیدن به این وضعیت نیازمند آگاهی است. آگاهی موجب می شود تا آنان متفاوت تر فکر کنند و بیاندیشند و تعامل بهتری با دانشجویان داشته باشند.

دوم؛ نظریه گادیکانست را می توان در برنامه های تعلیمی پیرامون سازگاری و انطباق میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه های ایران را اینگونه بیان نمود: افغانستانی هایی که در ایران بدنیا آمده اند (در تحقیق حاضر ۷ نفر از دانشجویان افغانستانی در ایران بدنیا آمده اند) در محیط دانشگاهی با دیگر دانشجویان سازش بیشتری داشته و احساس غریبه بودن نداشتند. بنابراین آگاهی آنها در ارتباطات میان فرهنگی خود و دانشجویان ایرانی بیشتر دیده شده است. این گروه از دانشجویان انطباق فعالی را در پیش گرفته بودند. این وضعیت در مقایسه با دانشجویان افغانستانی که در سالهای اخیر به ایران آمده اند متفاوت بود و در این زمینه می توان گفت که یا منفعل عمل می کنند و یا به عنوان پیش فعال غم سرزنش های اجتماعی را از دیگر دانشجویان می پذیرند.

پیشنهادات

بطور مسلم مهاجران با ورود به هر کشوری با فرهنگ جدیدی روبرو می شوند و حضور آنها برای جامعه میزبان دارای پیامدهای مثبت و منفی می باشد. مهاجران پس از حضور در کشور میزبان و یا جامعه مقصد با فرهنگ جدیدی روبرو می شوند که بطور حتم یا باید خود را با آن منطبق سازند و یا در برابر آن مقاومت نمایند. در حال حاضر تعداد زیادی از دانشجویان افغانستانی در دانشگاه های ایران مشغول به تحصیل هستند که با مشکلاتی روبرو هستند که می توان با ارائه راهکارها و پیشنهاداتی به ارتباطات مؤثر و

بهتری رسید که مهمترین آنها را می توان اینگونه برشمرد:

- بنظر می رسد اگر حقوق شهروندی، امنیت، شغل و التزام به قانون برای شهروندان ایرانی اعمال گردد بطور حتم مهاجران با هر ملیتی از جمله افغانستانی ها در جامعه ما بهتر می توانند با فرهنگ جامعه ما بعنوان میزبان انطباق برقرار کنند.
- آموزش تعاملات و ارتباطات صحیح با افراد جامعه با هر قوم، نژاد، ملیت، مذهب و آیینی از سنین پایین و در مقطع ابتدایی موجب می شود تا آنها در بزرگسالی نگاه و فرهنگ یکسان و برابر داشته باشند و افراد دیگر را پذیرا باشند.
- آموزش های مختلف، مهارتهای فردی و اجتماعی به مهاجران به عنوان یک اجبار جهت هماهنگی و انطباق با فرهنگ، کار و ... نه تنها موجب تقویت وحدت جامعه و مشارکت اجتماعی مهاجران با جامعه میزبان می شود بلکه جامعه میزبان بهتر می تواند مهاجران را در ادغام و انسجام اجتماعی یاری نماید.
- آموزش افراد جامعه در سطح کلان از طریق نهاد رسانه یکی دیگر از راههای پیشنهادی است تا افراد جامعه نیز با فرهنگ مهاجران آشنا شوند و تعاملات بهتری برقرار شود. از این راه بسیاری از چالش های فرهنگی برطرف خواهد شد.
- تحقیقات علمی در سطح ملی با محوریت قرار دادن مشارکت و انسجام اجتماعی می تواند صورت گیرد که نتایج آن می تواند درباره چالش های موجود سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی که در حال حاضر بین مهاجران افغانستانی و ایرانیان وجود دارد چاره اندیشی کرده و راهکار ارائه نماید.

منابع:

- بشیر، حسن و بذرافشان، محمدرضا (۱۳۹۹). «مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی با اهل سنت، مطالعه روایی. راهبرد اجتماعی فرهنگی، پاییز ۱۳۹۹، شماره ۳۶.
- بشیر، حسن؛ کشانی، محمد جواد (۱۳۹۸). «ارتباطات میان فرهنگی افغان های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم فرهنگی» فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی. دوره ۱۴، شماره ۴۱. ۹-۳۰.
- دزباخ، ولفگانگ (۱۳۹۰). دانشنامه بین المللی ارتباطات. (ویراستاران: حسن بشیر و مسعود کوثری). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- زرقانی، هادی؛ موسوی، زهرا (۱۳۹۲). مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱۶، شماره ۵۹. شماره پیاپی ۵۹. صفحات ۷-۲۶.
- سامووار، ل. ا؛ پورتز، ریچارد؛ استفانی، لیزا (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ ها، ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر میر حسینی، تهران: انتشارات باز.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ نظری، حامد (۱۳۹۵). بچه افغانی: شکل گیری تصور از خود و دیگری در تجربه زندگی روزمره نوجوانان افغان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۳، (پیاپی ۱۹)، صفحات ۴۵۶-۴۳۷.
- عابدی جعفری، حسین و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۱۹۸-۱۵۱.
- گادیکانست، ویلیام بی (۱۳۹۶). نظریه پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی، ترجمه حسن بشیر و همکاران، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp. 77-101.
- Giles, H., Watson, B. (2008). *The International Encyclopedia of Communication*, USA: Blackwell Publishing.
- Gudykunst, W. (1993). Toward a theory of effective interpersonal and intergroup communication: an anxiety/ uncertainty management (AUM) perspective.

مدیریت اضطراب / عدم قطعیت در ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های ایران

Gudykunst, W.B. (1995). Anxiety/uncertainty Management (AUM) Theory. In R.L. Wiseman (Ed.), *Intercultural Communication Theory* (pp.8-58). Thousand Oaks, CA: Sage.

Gudykunst, W. B. (1998a). Applying Anxiety/uncertainty Management (AUM) Theory to Intercultural Adjustment Training, *International Journal of Intercultural Relations*, 22, pp. 227-250.

Hammer, M. R.; Wiseman, R.L.; Rasmussen, J. & Bruschke, J. (1998). A Test of Uncertainty/anxiety Reduction Theory: The Intercultural Adaptation Context. *Communication Quarterly*, 46, pp. 309-326.

Marris, P. (2003). *The Politics of Uncertainty: Attachment in Private and Public life*, UK: Routledge.

Oetzel, J. (2017). Effective Intercultural Workgroup Communication Theory. *The International Encyclopedia of Intercultural Communication*. 1-5.

Reynolds, P. (1971). *A Primer in Theory Construction*, Indianapolis, IN: Bobbs-Merrill.

Stephan, W. & Stephan, C. (1985). Intergroup Anxiety, *Journal of Social Issues*, 41(3), pp.157-175.

Williams, Rob. (2016). "Syrian refugees will cost ten times more to care for in Europe than in neighboring countries, Independent, available at: www.independent.co.uk.

Ulmer, R.; Sellnow, T. & Seeger, M. (2012). *Effective Crisis Communication, Moving from Crisis to Opportunity*, (M. Ghilich & M. Khatibi Bayegi, Trans.) Tehran: Imam Sadiq University (AS). (in Persian)